



Civil Liability of Religious Preachers for Misstatement of Rulings Leading to Financial Losses¹

Meisam Khazaei¹ 

Behrouz Soraghi² 

Naser Roomiani³



1. Associate Professor, Department of Jurisprudence and the Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Humanities, Ayatollah Boroujerdi University, Boroujerd, Iran (Corresponding Author).

Email: meisam.khazaei@abru.ac.ir

2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and the Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Humanities, Ayatollah Boroujerdi University, Boroujerd, Iran.

Email: behrouz.soraghi@abru.ac.ir

3. M.A. Graduate in Private Law, Ayatollah Boroujerdi University, Boroujerd, Iran.

Email: naser.roomiani68@gmail.com

Abstract

Since *ijtihad* and the deduction of religious rulings are not possible for everyone, and acting based on precaution (*ihtiyat*) is often very difficult for ordinary people, the general practice among the devout is to follow a qualified jurist (*marja'*) in religious rulings. On the other hand, the fatwas of jurists are sometimes expressed in specialized language and require clarification by a preacher or religious expert. In practice, it is observed that these religious experts or preachers may make mistakes in conveying rulings related to financial issues such as *khums*, *zakat*, and *kaffarat*, which can cause financial losses to the legally accountable individual (*mukallaf*). In some cases, these losses cannot be compensated, even though they result from the negligence, error, or sometimes intentional

1. **Cite this article:** Khazaei, M., Soraghi, B., & Roomiani, N. (2025). Civil liability of religious preachers for misstatement of rulings leading to financial losses. *Journal of Fiqh*, 32(122), pp. 33-61. <https://doi.org/10.22081/jf.2025.70466.2866>

* **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran). ***Type of article:** Research Article

■ **Received:** 2024/12/07 ■ **Revised:** 2025/04/16 ■ **Accepted:** 2025/06/30 ■ **Published online:** 2025/08/01

© The Authors



misstatement by the religious expert. This study, using a descriptive-analytical approach, aims to examine the civil liability of this group of religious preachers. According to jurisprudential and legal principles, if a preacher is negligent or at fault in misrepresenting religious rulings, and the inquirer acts upon this misstatement in good faith and suffers loss, the preacher cannot be exempted from liability based on the rule of *ihsan* (benevolence). Since the elements of civil liability are fulfilled, the preacher—based on the rules of *tasbib* (causation), *ihtiram* (respect for others' rights), and *la darar* (no harm)—is responsible and obligated to compensate for the damage caused.

Keywords

Civil liability; Expert negligence; Preacher's responsibility; Rule of causation (*tasbib*); Compensation for damage.





مسئولیت مدنی مبلغان دینی در بیان نادرست احکام منجر به خسارات مالی^۱

میثم خزائی^۱ ID، بهروز سراقی^۲ ID، ناصر رومیانی^۳

۱. دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه آیت الله بروجردی، بروجرد (نویسنده مسئول).

Email: meisam.khazaee@abru.ac.ir

۲. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه آیت الله بروجردی، بروجرد.

Email: behrouz.soraghi@abru.ac.ir

۳. دانش آموخته کارشناسی ارشد، حقوق خصوصی، دانشگاه آیت الله بروجردی.

Email: naser.roomiani68@gmail.com



چکیده

از آنجا که اجتهاد و استنباط احکام شرعی برای هر فردی میسر نیست و عمل به احتیاط نیز برای افراد عادی دارای مشقت بسیار است، سیره عمومی متشرعان بر تقلید در احکام شرعی از فقیه اعلم قرار گرفته است. از سوی دیگر فتاوی مراجع، گاهی با زبان تخصصی بیان شده و نیاز به بیان توسط مبلغ و یا کارشناس دینی دارد. مشاهده می شود که کارشناس و مبلغ شرعی در بیان احکام ناظر به مسائل خمس، زکات، کفارات و به طور کلی مباحث مالی دچار اشتباه می شود و موجب وارد شدن خسارات مالی به مکلف می شود که در مواردی راهی برای جبران آن نیست، در حالی که این خسارت ناشی از تقصیر و یا قصور و گاه تعدد کارشناس دینی است. پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی، قصد دارد تا مسئولیت مدنی این گروه از مبلغان دینی را بررسی نماید. حتی براساس مبانی و ادله فقهی و حقوقی، اگر مبلغ دینی در بیان نادرست احکام، قصور و تقصیر نموده باشد و مراجعه کننده با اعتماد به جایگاه علمی

۱. **استاد به این مقاله:** خزائی، میثم؛ سراقی، بهروز؛ رومیانی، ناصر. (۱۴۰۴). مسئولیت مدنی مبلغان دینی در بیان نادرست احکام منجر به خسارات مالی. فقه، ۳۲(۱۲۲)، صص ۳۳-۶۱.

<https://doi.org/10.22081/jf.2025.70466.2866>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران) © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۱۷ □ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۱/۲۷ □ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۰۹ □ تاریخ آنلاین: ۱۴۰۴/۰۵/۱۰



او، اقدام به عمل اشتباه و خسارت بار نموده باشند، نمی‌توان با قاعده احسان وی را مبری از ضمان و مسئولیت مدنی دانست، بلکه به دلیل اینکه ارکان مسئولیت مدنی محقق شده، براساس قواعد تسبیب، احترام و لاضرر دارای مسئولیت بوده و موظف به جبران خسارت است.

کلیدواژه‌ها

مسئولیت مدنی، قصور کارشناس، مسئولیت مبلغ، قاعده تسبیب، جبران خسارت.



در سیره متشرعه، بسیاری از افراد اهل دیانت برای اطلاع از احکام و تکالیف شرعی خود، به روحانیون و مبلغان دینی به عنوان کارشناسان دینی و افراد مورد وثوق و خیره در بیان احکام شرعی مراجعه و از آن‌ها تکالیف شرعی خود را جویا می‌شوند. از سوی دیگر پاسخ‌گویی به سؤالات شرعی مردم، یکی از تکالیف شرعی مبلغان دینی است که به دانش‌های لازم در این زمینه نیاز دارد. در بسیاری از موارد پاسخ به این سؤالات با جان، مال و آبروی مردم در ارتباط است؛ بنابراین باید در این خصوص دقت فراوانی انجام گیرد تا بدون علم و تحقیق اقدام به پاسخ‌گویی نکنند. اما گاهی اوقات، برخی از کارشناسان و مبلغان دین، از روی ناآگاهی و اهمال، به سؤالات مکلفین، پاسخ اشتباه داده و آنها را دچار خسارت‌های جسمی، مالی و معنوی می‌کنند. به عنوان مثال با پاسخ اشتباه در احکام مربوط به خمس، زکات یا نفقه، مالی از دست سؤال کننده خارج می‌شود که برگشت آن تقریباً دشوار و یا غیر ممکن شده، در نتیجه مکلف دچار خسارت مالی می‌شود. یا با اشتباه در پاسخ‌گویی به سؤالات راجع به احکام خانواده، ممکن است خسارات جبران ناپذیر مالی و عاطفی به مکلف وارد شود و یا آبروی افراد در معرض آسیب قرار گیرد. در این صورت باید دید ضمان مبلغ دینی چگونه است؟ آیا براساس قواعد فقهی، مسئولیت مدنی متوجه وی شده و موظف به جبران خسارت است؟ آیا می‌توان این خسارت را به کارشناس دینی منتسب دانست؟

لازم به ذکر است در خصوص حکم تکلیفی اشتباه در نقل فتوا، بحثی نیست و عنوان شده است که بر مبلغ دین واجب است اشتباه خود را اصلاح کند و حکم صحیح را به کسی که از او فرا گرفته است اعلام کند (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۹)؛ بنابراین اگر در منبر و سخنرانی به اشتباه چیزی را گفته باید آن را در جلسات مختلف تکرار کند تا کسانی که به اشتباه افتاده‌اند از اشتباه در آیند (مکارم شیرازی، بی تا، ج ۱، ص ۲۵).

اهمیت و ضرورت تحقیق از دو جهت قابل ذکر است، اول آنکه مشاهده می‌شود بسیاری از مکلفان، در اعمال خود از عبادات گرفته تا قراردادهای و پرداخت دیون شرعی

مالی از قبیل خمس، زکات، و کفارات تابع شرع هستند و هرگونه اشتباه در پاسخ‌گویی به مکلفین، ممکن است خسارات معنایی از جهت مالی به آنان وارد آورد. دوم اینکه با بررسی پیشینه مسئله مذکور، ملاحظه می‌شود، نه تنها پژوهش مستقلی در این زمینه صورت نگرفته است بلکه به صورت ضمنی هم در این خصوص تحقیق خاصی یافت نمی‌شود. براین اساس پژوهش حاضر سعی می‌کند به روش توصیفی-تحلیلی و براساس ادله فقهی، مسئولیت مدنی مبلغان دینی در پاسخ‌گویی نادرست به سؤالات شرعی ناظر به مسائل مالی را مورد بررسی قرار دهد و در پی بررسی این فرضیه است که اگر مبلغ از روی ناآگاهی و اهمال پاسخ منجر به ورود خسارت مالی به سؤال کننده را داده باشد دارای ضمانت بوده و باید خسارات وارده را جبران نماید. لازم به ذکر است می‌توان مسئولیت مدنی را در فرض بیان نادرست احکام که منجر به بطلان احکام وضعی شود، نیز بررسی کرد که از عهده این نوشتار خارج است.

۱. مفهوم شناسی

تبیین محل بحث نیازمند آشنایی با مفاهیم واژگان ذیل است.

۱-۱. تبلیغ و مبلغ در لغت و اصطلاح: تبلیغ از ریشه «بلغ» به معنی رسیدن، رسانیدن و انتهای مقصد می‌باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۴۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۴۱۹). در لغت‌نامه‌های فارسی نیز واژه تبلیغ به معنای رسانیدن و رسانیدن پیام آمده و گفته شده است تبلیغ، رسانیدن، واصل شدن و رسانیدن عقاید دینی یا غیر آنها با وسایل ممکنه است (دهخدا، ۱۳۷۶). بر این اساس مبلغ به کسی گفته می‌شود که امر رساندن پیام و یا چیزی را بر عهده دارد.

تبلیغ در اصطلاح دینی رساندن پیام الهی به شیوه روشن‌گرانه از طریق ایجاد ارتباط و تشویق به پذیرش محتوای مورد نظر با استفاده از ابزارهای مشروع هر عصر است (رهبر، ۱۳۹۱، ص ۱۰۲) و مبلغ کسی است که این رسالت را انجام می‌دهد.

امروزه در اصطلاح به فردی که وظیفه تبلیغ دین را بر عهده دارد، «روحانی» گفته می‌شود. نهاد روحانیت همانند دیگر نهادهای اجتماعی، علمی و فرهنگی دارای ساختار،

اهداف، ارکان و مجموعه تعریف شده‌ای است که یکی از رسالت‌های آنان تبلیغ آموزه‌های دینی از جمله احکام دین است.

در ماده ۱۶ آیین نامه دادرسی و دادگاه‌های ویژه روحانیت، مصادیق افراد روحانی را مشخص کرده‌است. این ماده مقرر می‌دارد:

«به سه دسته از افراد، روحانی اطلاق می‌شود: شخصی که ملبس به لباس روحانیت باشد؛ کسی که در حوزه مشغول به تحصیل باشد؛ شخصی که با وجود اشتغال به کاری غیر از تحصیل در حوزه و بدون بر تن کردن لباس روحانیت، عرفاً روحانی محسوب شود».

از این ماده به خوبی بر می‌آید که مبلغ دین و روحانی، تنها روحانی ملبس به لباس روحانیت نیست، بلکه هر شخصی که تبلیغ دین یا نشر احکام اسلامی - مستمراً یا دفعتاً - می‌کند نیز مبلغ دین محسوب می‌شود.

۲-۱. حکم شرعی در لغت و اصطلاح: حکم در لغت عرب به معنای منع (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۹۱؛ فیومی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۴۵؛ ابن اثیر، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۲۰) و جلوگیری کردن از چیزی به خاطر اصلاح آن است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۴۸).

احکام شرعی در اصطلاح فقهی گزاره‌هایی هستند که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، نظر دین را در مورد هر کدام از رفتارهای انسان بیان می‌کنند (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶ق، ج ۳، ص ۳۵۰). و یا حکم شرعی گزاره‌ای است که از جانب خداوند متعال برای تنظیم و سامان‌دهی زندگی انسان صادر شده است (صدر، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۱۲۴).

احکام به واسطه اینکه مستقیم یا غیرمستقیم مرتبط با فعل آدمی باشد به حکم وضعی و تکلیفی تقسیم می‌گردد (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، صص ۳۶۰ - ۳۶۱). با توجه به مسئله مورد بحث، گستره بحث، هر دو حوزه حکم تکلیفی و وضعی را در بر می‌گیرد، اما از آنجا که رسالت این نوشتار فقط احکام مالی است، تحقیق در تحقق مسئولیت مدنی و ضمان بیان نادرست احکام شرعی غیرمالی را به تحقیقی دیگر وا می‌نهد.

۳-۱. ضرر در لغت و اصطلاح: ضرر، زیان یا خسارت، نخستین رکن تحقق مسئولیت مدنی است. ضرر از ریشه ضرر در لغت، ضد نفع (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۴۸۲)، و سوء

حال (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۵۰۳)، معرفی شده است.

ضرر در اصطلاح، دارای معنای عرفی است؛ بنابراین علاوه بر اینکه هرگونه صدمه مادی یا معنوی وارد به شخص را در بر می گیرد (صفایی، ۱۳۹۲، ص ۹۷)، محروم شدن از نفع مسلم نیز عرفاً ضرر محسوب می شود (سکوتی و شمالي، ۱۳۹۰، ص ۸۷). برخی از فقها پس از اشاره به معنای مذکور معتقدند: «برای مفهوم ضرر باید به آنچه در اذهان اشخاص و اذهان عرف ارتکاز یافته است رجوع شود و آنچه از جستجوی موارد استعمال این کلمه در ذهن شخص مرتکز می شود آن است که ضرر از دست دادن هر یک از مواهب زندگی است که اشخاص دارا هستند و از آن سود می برند، چه مربوط به نفس باشد یا مال یا آبرو و یا غیر آن، و آنچه راجع به عدم صدق ضرر بر موارد هتک آبرو گفته اند درست نیست ...» (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۴۹).

از عبارات فوق به وضوح بر می آید که ضرر دارای مفهومی عرفی است و عرف برای آن معنی گسترده ای قائل است که شامل هرگونه زیان مادی و معنوی و بدنی از جمله عدم النفع است.

در نوشتار حاضر، مسئولیت مدنی مبلغ دین در بیان نادرست احکام شرعی، در فرضی بررسی شده است که ضرر مالی بر مکلف وارد شده است. به عنوان مثال مبلغ در اثر اشتباه در بیان احکام خمس، زکات، کفارات مالی، حنث قسم و نذر و یا اشتباه در محاسبه این امور، موجب از دست رفتن مبالغی از مکلف شود خصوصاً در مواردی که راهی برای پس گرفتن آن نباشد. این ضرر می تواند از قبیل بطلان عبادات باشد که مستلزم قضا نمودن و یا اعاده آن عبادت است و همین امر موجب خساراتی به وقت و یا از دست رفتن منافعی از مکلف شود و یا می تواند از طریق بطلان عقود و یا ایقاعات باشد. به عنوان مثال فرض کنید فردی بر اثر مراجعه به کارشناس دین احتمال اینکه با همسر خود خواهر و برادر رضاعی باشد و بیان دقیق سوال از سوی مکلف و پاسخ غیرمسئولانه کارشناس دینی و اهمال کاری قائل به حرمت ازدواج بین این دو شده و زوجین از هم جدا شده و هر یک ازدواج نموده و بعداً مشخص شود که کارشناس دین به خاطر قصور و یا عدم دقت موجب این جدایی شده است، ممکن است گفته شود که

انتساب این فعل به مبلغ و کارشناس دینی محل اشکال است و احراز آن قابل اثبات نیست، از این رو می‌بایست استناد فعل مکلف به بیان نادرست کارشناس و مبلغ دینی نیز قابل اثبات باشد.

۲. تبیین مبنای بحث (مبنای مسئولیت مدنی)

مبنای اصلی بحث در پژوهش پیش‌رو، مسئولیت مدنی است؛ بنابراین، جهت روشن شدن محل بحث، نیاز است این مبنا، قدری مورد واکاوی قرار گیرد. مسئولیت مدنی بخشی از حقوق مدنی است که در آن به جبران و تدارک خسارت وارده به دیگری پرداخته می‌شود. این اصطلاح با تصویب قانون مصوب سال ۱۳۳۹ به ادبیات قانون‌گذاری ایران وارد شده است و در دکتترین حقوقی توسعه بسیار یافته و ادبیات وسیعی را به خود اختصاص داده است.

۱-۲. مفهوم مسئولیت مدنی

ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹ مقرر می‌دارد: «هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد شده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد». حقوق‌دانان از این ماده استفاده کرده و با عبارات مختلفی مسئولیت مدنی را تعریف کرده‌اند. به عنوان مثال گفته شده است: «مسئولیت مدنی، تعهد قانونی شخص بر رفع ضرری است که به دیگری وارد کرده‌است خواه این ضرر ناشی از تقصیر خود وی باشد یا ناشی از فعالیت او باشد» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۴، ص ۶۴۲).

در هر مورد که شخص ناگزیر از جبران خسارت دیگری باشد، می‌گویند در برابر او «مسئولیت مدنی» دارد. بر مبنای این مسئولیت رابطه ویژه‌ای بین زیان دیده و زیان دهنده ایجاد می‌شود: «زیان دیده طلب کار و مسئول بده کار می‌شود و موضوع بدهی جبران خسارت است که به‌طور معمول با دادن پول انجام می‌پذیرد» (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص ۶).



۲-۲. اسباب مسئولیت مدنی

در خصوص مبنای مسئولیت مدنی دیدگاه‌های مختلفی مطرح شده است که در ادامه سعی می‌شود به مهمترین آنها به اختصار اشاره شود:

۲-۲-۱. نظریه تقصیر

مطابق این نظریه مباشر تلف، زمانی مسئولیت مدنی دارد که مرتکب تقصیر شده باشد و خسارت معلول تقصیر باشد (یزدانیان، ۱۳۸۹، ص ۴). در حقیقت طرفداران این نظریه خواسته‌اند ردای اخلاق را بر مسئولیت مدنی بپوشانند (حکمت‌نیا، ۱۳۹۱، ص ۶۲)؛ زیرا مطابق با قواعد مسلم اخلاقی، خسارت‌زننده‌ای که به عمد خسارت می‌زند، مذمت و نکوهش می‌شود. در این نظریه معیار تحقق تقصیر، اخلاق است (حیدری و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۲۶۸).

۲-۲-۲. نظریه ایجاد خطر

در نظریه ایجاد خطر، قصد و تقصیر در ضرر رساندن، شرط مسئولیت نبوده و همین که ضرری به شخص دیگر وارد شود و خسارت به فعل مسبب، منتسب شود کافی است (حکمت‌نیا، ۱۳۹۱، ص ۷۵). از کلام برخی از فقها برداشت می‌شود که با استناد به روایتی از امام صادق علیه السلام به نقل از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله^۱ نظریه تسبیب را پذیرفته‌اند (بجنوری، ۱۴۱۹ق، ص ۲۸). برای مثال، فقیهان در مورد پزشک، دام‌پزشک و صنعت‌گر، مسئولیت آنها را مشروط به اثبات تقصیر، ندانسته و به‌طور کلی برای آنان مسئولیت برقرار کرده‌اند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۷، ص ۳۲۲؛ کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۲۶۷). البته باید دقت نمود در تسبیب، کسی که سبب تلف مال و اضرار دیگری شده است در صورتی مسئول است که استناد و انتساب به او محرز گردد (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص ۱۳۶).

۱. محمد بن یعقوب، عن علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن النوفلي، عن السكوني، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: من أخرج ميزاباً، أو كنيفاً، أو أوتد وتداً، أو أوثق دابةً، أو حفر شيئاً في طريق المسلمين فأصاب شيئاً فعطب فهو له ضامن «هر کس ناودانی یا گودالی در راه مسلمین ایجاد کند یا میخ یا افسار مرکبش را بکوبد یا چاهی در راه مسلمین حفر نماید و کسی به آنها اصابت کند و به زمین بیفتد، ضامن است.» (حر عاملی، بی‌تا، ج ۱۹، ص ۱۸۲).

۲-۳. نظریه استناد عرفی (نظریه انتساب اضرار)

مطابق با این نظریه، و براساس ادله^۱ در صورتی که از نظر عرف، خسارت به زیان دیده، مستند به فعل ضرر رساننده باشد، جبران خسارت توسط ضرر رساننده الزامی است؛ زیرا صرف استناد عرفی فعل زیان بار به خسارت زننده، برای تحقق مسئولیت مدنی وی کفایت می کند (قاسم زاده، ۱۳۷۸، ص ۲۰). مطابق با این دیدگاه، تقصیر و عدم تقصیر خسارت زننده در مسئولیت وی تأثیری ندارد؛ براین اساس همین که عمل زیان بار، به فعل او استناد داده شود باید جبران خسارت نماید (هوشمندفروزآبادی، ۱۳۹۸، ص ۲۹۹). از کلام برخی از فقها برداشت می شود که نظریه استناد عرفی را پذیرفته اند؛ زیرا عنوان می کنند مبنای ضمان، صدق تلف بر حسب عرف است و محدود کردن ضمان توسط فقها به مباشر و مسبب و مانند آن برای ضبط مصادیق عرفی تلف است (حسینی مراغی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۴۳۵).

۴۳



در پایان و در یک جمع بندی باید گفت، آنچه که اهمیت دارد، انتساب فعل به فاعل زیان است چه تقصیر از او سر زده باشد و چه تقصیر سر نزده باشد. چه در فعل خود عمد داشته باشد و چه عمدی نداشته باشد؛ زیرا فاعل سبب تلف مال دیگری شده است. در نتیجه براساس قاعده اتلاف، احترام و لاضرر باید خسارت زننده را مسئول دانست. البته همان گونه که عنوان شد استناد و انتساب به ضرر به فاعل باید محرز شود.

۲-۳. ارکان مسئولیت مدنی

برای تحقق مسئولیت مدنی باید سه رکن ضرر، فعل زیانبار و رابطه سببیت، محقق شود. به بیان دیگر برای اینکه شخص خسارت زننده، مکلف به جبران خسارت شود، باید سه رکن ذیل اثبات شود:

الف) ضرر وارده به خواهان: صاحب نظران حقوقی ضرر را به سه دسته تقسیم

۱. «من اضر بشيء من طريق المسلمين فهو له ضامن؛ هر کسی به مسلمین ضرری وارد نماید، مسئول و ضامن جبران آن است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۳۵۰).

کرده‌اند: مادی، معنوی و بدنی (کاتوزیان، ۱۳۸۶، صص ۲۴۲ - ۲۴۳). ضرر نیز باید مسلم بوده، مستقیم، مشروع، شخصی، جبران نشده و قابل پیش‌بینی باشد و ناشی از فعل شخص زیان‌دیده نباشد (صفایی، ۱۳۹۲، ص ۱۰۱؛ کاتوزیان، ۱۳۸۶، صص ۲۷۷ - ۲۷۸).

ب) ارتکاب فعل زیانبار: فعل زیان رساننده باید از دیدگاه عرف، ناهنجار و در شرع و قانون، مجوزی برای آن صادر نشده باشد (دالوند، ۱۳۸۶، صص ۲۱ - ۲۲). به همین دلیل ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی مقرر می‌دارد: «هر کس بدون مجوز قانونی... فعلی انجام دهد که موجب زیان دیگری شود، ضامن است». لازم به ذکر است که رفتار خسارت زننده می‌تواند فعل یا ترک فعل باشد.

ج) رابطه سببیت: برای اینکه مسئولیت مدنی محقق شود، باید بین ضرر و فعل زیان رساننده، رابطه سببیت وجود داشته باشد. به این معنا که زیان از رفتار خسارت زننده ناشی شده باشد (صفایی، ۱۳۹۲، صص ۹۱ - ۹۲). اساساً در حالت‌هایی که تقصیر شرط تحقق مسئولیت نیست، اثبات رابطه سببیت اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. برای اینکه رفتاری نیز سبب خسارت محسوب شود باید آن فعل در زمره شرایط ضروری تحقق ضرر باشد یعنی احراز شود که بدون آن، زیان واقع نمی‌شد (دالوند، ۱۳۸۶، صص ۲۲ - ۲۴).

در مسئله مورد بحث نیز باید در اثر پاسخ‌گویی اشتباه به سؤال شرعی، ضرری متوجه مکلف شده باشد؛ فعل زیان‌بار از سوی مبلغ صادر شده باشد و بین ضرر و فعل زیان‌بار نیز رابطه سببیت برقرار شده باشد و الا بحث از مسئولیت مدنی مبلغ دین منتفی می‌شود.

در این خصوص این اشکال می‌تواند وارد شود که تحقق مسئولیت حرفه‌ای را نمی‌توان به سادگی در خصوص مبلغ ثابت دانست؛ زیرا به دلیل نبود قراردادی فی‌مابین سؤال کننده و پاسخ دهنده، انتساب نتیجه (ضرر) به مشاور مذهبی مشکل است؛ بویژه در جایی که سوال کننده امکان دریافت پاسخ از افراد دیگر و یا راه‌های دیگر را دارد.

در این خصوص باید گفت مسئولیت مدنی به دو شاخه قهری و قراردادی تقسیم می‌شود. مسئولیت مدنی قهری به نقض تعهدات قانونی یا عرفی شخص در عرصه



اجتماع اختصاص دارد، اما مسئولیت مدنی قراردادی به جبران خسارت‌های ناشی از نقض تعهد قراردادی ناظر است. و آنچه در پژوهش حاضر محل بحث است مسئولیت قهری مبلغ دینی است براین اساس در این حالت برای تحقق مسئولیت مدنی، لزومی به وجود قرارداد ندارد. از سوی دیگر زمانی که مبلغ از طرف نهادهای صالح، همانند سازمان تبلیغات اسلامی جهت تبلیغ دین و پاسخ به سؤالات شرعی در میان مردم (همانند حضور در مساجد و اماکن متبرکه) حضور می‌یابد، در واقع قراردادی فیما بین او و سازمان مربوطه جهت پاسخ‌گویی به سؤالات شرعی مردم منعقد شده است بنابراین مبلغ باید به تعهدات قانونی خود (پاسخ صحیح به سؤالات مراجعه‌کنندگان) پایبند باشد. از سوی دیگر هر چند سؤال‌کننده توان مراجعه به سایر افراد را دارد اما به دلیل اینکه مبلغ با اذن سازمان ذی صلاح در این جایگاه قرار گرفته است، مراجعه‌کننده حق دریافت پاسخ صحیح را از سوی مبلغ دارد؛ بنابراین نمی‌توان از این منظر نیز مبلغ را معاف از مسئولیت دانست. البته همان‌گونه که گفته شد باید انتساب ضرر به مبلغ احراز شود تا بتوان او را مسؤول دانست.

۳. صور مختلف بیان نادرست احکام توسط مبلغان

بیان نادرست احکام توسط مبلغان ممکن است صور مختلف زیر را دارا باشد:

یک. بیان نادرست احکام در فرض تعمدی بودن؛ یعنی مبلغ دینی به هر علتی مثلاً مانند نفع شخصی، احکام دینی را تعمداً نادرست بیان نماید تا مثلاً مکلف خمس بیشتری پرداخت نماید.

دو. بیان نادرست احکام در فرض قصور و تقصیر؛ بدین شکل که مبلغ دینی مثلاً از سر بی‌مبالائی و بی‌احتیاطی، حکمی را بیان نماید که منجر به خسارت مدنی بر شخص مکلف شود.

سه. بیان نادرست احکام بدون قصور و تقصیر؛ بدین شکل که مبلغ دینی بدون اینکه بی‌مبالائی نماید، به‌عنوان نمونه به جهت ضعف حافظه و ... سهواً حکم شرعی را نادرست بیان نماید و در پی این بیان نادرست به مکلف خسارت مدنی وارد آید.

به نظر می‌رسد از میان سه حالت فوق، مسئولیت مدنی مبلغ در حالت نخست روشن است و در حالت سوم، دارای ابهام فراوان. اگر ثابت شود که مبلغ در حالت سوم مسئولیت مدنی دارد، بالتبع در حالت دوم و اول نیز مسئولیت مدنی بی‌هیچ مانعی ثابت خواهد بود. از این رو، در ادامه تنها فرض سوم تحلیل می‌شود و نتیجه بدست آمده می‌تواند برای دو فرض دیگر از طریق قیاس اولویت نیز ثابت شود.

پیش از اینکه به بررسی فرض بیان نادرست بدون قصور و تقصیر بپردازیم ذکر این مهم ضروری است که مسئولیت مدنی مبلغ در جایی مطرح می‌شود که خسارت وارده به مکلف توسط عامل مختار دیگری غیر از مبلغ، لازم التادیه نباشد و یا اساساً امکان آن وجود نداشته باشد. به عنوان مثال، اگر مکلف در پی پرسش از مبلغ دینی و سؤال نادرست او، ده میلیون تومان اضافه خمس پرداخت کرده باشد، در صورتی که امکان وصول مبلغ اضافه از کسی که خمس را به او داده، وجود داشته باشد، روشن است که مسئول پرداخت این مبلغ اضافی، کسی است که خمس به دست وی رسیده است و دیگر نوبت به مسئولیت مدنی مبلغ نمی‌رسد.

۴. بیان نادرست احکام به شکل سهوی (فرض عدم قصور و تقصیر)

سهو در لغت به معنای غفلت و متذکر نشدن و در برابر تذکر حالتی است که موجب محو شدن صورت علمی شیء از قوه ذاکره انسان، بدون محو آن از حافظه است؛ به گونه‌ای که با اندک تأمل و تذکری به یاد می‌آورد (بحرانی، بی‌تا، ج ۹، ص ۱۰۴). قصور نیز در لغت به معنی عاجز گردیدن، فروماندن و کوتاه آمدن است. و در اصطلاح حقوقی عبارت است از ترک یک قانون الزامی بدون این که مسامحه‌ای در آن شده باشد (آخوندی، ۱۳۸۴، ص ۲۹). در حقیقت در حالت سهو، فرد دچار غفلت شده است بدون اینکه کوتاهی و بی‌احتیاطی کرده باشد. با این اوصاف، امکان دارد روحانی از روی ناآگاهی و غفلت به سؤالات شرعی پاسخ اشتباه دهد و مکلف یا دیگران را دچار ضرر نمایند. با توجه به مبانی مسئولیت مدنی و ادله عام مسئولیت مدنی باید مبلغ دینی را ضامن جبران خسارت دانست؛ زیرا ارکان مسئولیت مدنی (ضرر، فعل زیانبار و رابطه سببیت) محقق

شده است، حتی اگر مرتکب صرف سهو و قصور در بیان حکم شرعی شده باشد. دلایلی که بر این امر می‌توان مطرح کرد عبارتند از:

۴-۱. تحقق ارکان مسئولیت مدنی

همان گونه که مطرح شد برای تحقق مسئولیت مدنی نیاز است سه رکن ضرر، فعل زیانبار و رابطه سببیت، محقق شود تا فردی را ضامن و مسئول جبران خسارت دانست. در این حالت ملاحظه می‌شود سه رکن مذکور (خسارت به مکلف، بیان اشتباه حکم، رابطه سببیت بین ضرر و بیان اشتباه حکم) محقق شده است. البته از میان مبنای مسئولیت مدنی، در این فرض نمی‌توان از مبنای تسبیب و تقصیر کمک گرفت چون مبلغ دینی دچار هیچ گونه بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی نشده است تا بتوان گفت در بیان اشتباه احکام شرعی مرتکب تقصیر شده است؛ اما می‌توان از مبنای استناد عرفی بهره گرفت و قائل به مسئولیت مدنی مبلغ دینی شد.

مطابق با نظریه انتساب عرفی، عرف، ضرر حادث شده برای مکلف یا دیگران را مستند به پاسخ‌های اشتباه مبلغان می‌داند، یعنی عرف مردم تصدیق می‌کند که در اثر این پاسخ‌های اشتباه مبلغ دینی، چنین زیان‌هایی گریبان گیر مکلف یا دیگران شده است. به بیان دیگر مطابق نظریه استناد عرفی، مبلغان موظف به جبران خسارت هستند چون عرف مردم ضرر حاصله را مستند به فعل آنان (پاسخ‌گویی اشتباه به سوالات شرعی) می‌داند.

۴-۲. قاعده احترام

یکی از قواعد مهم در حوزه مسئولیت مدنی، قاعده احترام است. براساس قاعده احترام حرمت مال انسان‌ها هم چون حرمت خون آنهاست و هیچ کسی حق تعرض نسبت به اموال دیگری را ندارد. مستند استدلال فقها (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۱۰۶)، موثقه ابوبصیر^۱ است

۱. «یا اباذر سباب المسلم فسوق و قتاله کفر و أكل لحمه من معاصي الله و حرمة ماله كحرمة دمه؛ ای اباذر دشنام دادن به مسلمان فسق است و با وی قتال کردن کفر و غیبت کردنش از معاصی الهی است و حرمت مالش مانند حرمت خویش است» (حر عاملی، بی‌تا، ج ۱۲، ص ۲۸۱).



که در آن احترام دارایی و اموال مسلمان به احترام جان وی تشبیه شده است. براین اساس هر حکمی اعم از وضعی و تکلیفی که در خصوص احترام جان مؤمن مقرر گردیده، در احترام به اموال وی نیز لحاظ شده است (امام خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۴۱۷). و در صورتی که فردی به مال دیگر تعرض نماید، مکلف به جبران خسارات وارده است (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۱۹۰).

بنابراین هنگامی که مبلغ دینی از روی غفلت و ناآگاهی به سؤالات شرعی مکلفین پاسخ اشتباه می‌دهد و در نتیجه پاسخ‌های اشتباه، دیگران را دچار ضرر می‌نماید، احترام مال و جان آن‌ها رعایت نشده است در نتیجه در قبال این خسارت، مسئولیت مدنی داشته و باید جبران خسارت کند.

۳-۴. قاعده لاضرر

علاوه بر تحقق ارکان مسئولیت مدنی و بهره‌گیری از مبانی تسبیب، استناد عرفی و احترام جهت تحقق مسئولیت مدنی مبلغ دینی، جهت مسئولیت مدنی مبلغ دینی می‌توان از قاعده لاضرر نیز بهره برد.

یکی از مهمترین قواعد فقهی که در تمام ابواب فقه مستند احکام فراوانی قرار گرفته است قاعده لاضرر است. درباره مفاد قاعده لاضرر، أنظار گوناگونی مطرح شده است که ناشی از اختلاف فقیهان در معنای حرف «لا» در حدیث «لا ضرر و لا ضرار» است (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۲۳۳؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۱۴۷). به دلیل تبیین آن در کتاب‌ها و مقالات متعدد از طرح آن خودداری می‌شود. لکن می‌توان گفت منشأ این اختلافات درباره مفاد قاعده لاضرر آن است که تصوّر شده است عمده مستند این قاعده حدیث «لا ضرر و لا ضرار» است که از مهمترین قواعد عقلیه است (محقق داماد، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۵۰)؛ یعنی وقتی بحث إضرار به دیگران مطرح می‌شود دلیل عقل دو حکم را فرا روی ما می‌نهد: «عدم جواز (حرمت) إضرار به غیر» و «وجوب تدارک ضرر در صورت ورود ضرر». عقلای سراسر گیتی نیز با هر مسلک و مرامی اولاً إضرار به غیر را قبیح دانسته و ثانیاً در صورتی که شخصی به دیگری زانی وارد آورد جبران زیان وارد آمده را بر وی



لازم می‌شمارند. به عنوان نمونه، اینکه حدود هزار سال پیش از ظهور دین مبین اسلام ارسطو، متفکر یونانی، الگوی «عدالت اصلاحی» را بعنوان سازوکاری جهت جبران خسارت وارد به افراد مطرح می‌کند (ارسطو، ۱۳۷۸، ص ۱۷۲) گویای این مهم است که اندیشه قباحه ایراد زیان و نیز لزوم جبران خسارت از ابداعات سیستم حقوقی اسلام و مفاد «حدیث» لاضرر نیست تا برای اثبات آن چاره‌ای جز دست و پنجه نرم کردن با «حدیث» لاضرر نداشته باشیم. بلکه اندیشه یاد شده یک حکم جهان شمول و از ارتکازات عقلایی- فارغ از دین، مذهب و فرهنگ خاص- بوده و در تمام نظام‌های حقوقی دنیا امری مسلم و مفروضاً عنه است (بادینی، ۱۳۹۲، صص ۲۷-۲۸).

بنابراین، کبرای قضیه یعنی عدم جواز اضرار به غیر مورد وفاق همگان است. صغرای قضیه نیز بسیار روشن به نظر می‌رسد؛ زیرا، مبلغ دینی هر چند سهواً (از روی ناآگاهی و غفلت) به سؤال شرعی مکلف پاسخ اشتباه داده است ولی موجب ضرر و زیان به مکلف شده است؛ بنابراین در قبال او نیز مسئولیت مدنی دارد و باید جبران خسارت کند.

یکی از فقیهان معاصر، در مورد اشتباه مبلغ دینی چنین گفته است: «فتوا دادن و اظهار نظر کردن در مسائل شرعی برای کسی که مجتهد نیست، یعنی قادر به استنباط احکام از مدارک و دلایل آن نمی‌باشد حرام است و هر گاه بدون اطلاع اظهار نظر کند، مسئول اعمال تمام کسانی است که به گفته او عمل می‌کنند» (مکارم شیرازی، رساله عملیه، مسئله ۲۰). گرچه در این دیدگاه به نوع مسئولیت دنیوی و یا اخروی بودن آن اشاره نشده است ولی اطلاق سخن هر دو نوع مسئولیت را شامل می‌شود. علاوه بر اطلاق دلیل می‌توان به تبادل مسئولیت دنیوی این سخن نیز تمسک جست، چرا که عقوبت دنیوی فتوای بدون علم قابل شک و تردید نمی‌باشد. با توجه به تنقیح مناط و وجود ملاک متشابه ایراد خسارت در هردو (فتوای بدون علم و بیان نادرست فتوا از روی قصور و تقصیر) می‌توان قائل به مسئولیت مدنی شد.

۳-۴. تعارض مسئولیت با قاعده احسان

احسان به معنای نیکویی کردن درباره کسی (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۲۰۹۹)، و ضد اسائه

است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۱۱۴). محسن نیز یعنی آنکه نیکی و احسان می کند (دهخدا، ۱۳۷۳، ص ۱۶۵۳). بدین مقصود که هرگاه کسی به انگیزه خدمت به دیگران، موجب ورود ضرر به آنان شود، عمل او ضمان آور نیست و شخص محسن، ضامن شناخته نمی شود (لطفی، ۱۳۷۹، ص ۵۲۳)، چرا که قاعده احسان از جمله قواعدی است که ضمانت را از عهده «محسن» بر می دارد (بجنوردی، ۱۴۰۱، ج ۴، ص ۹).

همان گونه که ملاحظه گردید براساس قواعد عام مسئولیت باید نقل اشتباه فتوای مرجع تقلید توسط مبلغ دینی را موجب ضمان دانست؛ زیرا ضرر وارده بر مکلف، عرفاً متناسب به فعل مبلغ است، ولی براساس تعریفی که از احسان شد این سؤال به ذهن خطور می کند که آیا فعل مبلغ دین، مصداق احسان نیست؟ آیا نمی توان فعل او را محسنانه دانست و از اصل اولیه ضمانت او را خارج نمود؟ زیرا مکلف به وی رجوع کرده و از او خواسته که به سؤال شرعی پاسخ دهد و مبلغ نیز محسنانه و از روی خیرخواهی به سؤال شرعی مکلف پاسخ داده است و قصدی برای اضرار به او نداشته است. شاید به این دلیل است که در استفتائی که از امام خمینی علیه السلام در خصوص اشتباه در نقل فتوا صورت می گیرد امام، مسئله گو را ضامن نمی داند (امام خمینی، ۱۳۹۲، ص ۸۶).

در این وضعیت ملاحظه می گردد که میان قواعد عام مسئولیت و قاعده احسان تعارض به وجود می آید و باید دید کدام یک بر دیگری حاکم می شود.

برای پاسخ به این سؤال در ابتدا باید مشخص شود که معیار صدق عنوان احسان بر اقدام محسن چیست؟ آیا صرف اعتقاد شخص محسن به احسان کفایت کرده و عنوان محسن بر وی صدق می کند؟ یا اینکه علاوه بر اعتقاد شخص محسن، نیاز است فعل عرفاً در واقع نیز محسنانه باشد هر چند به صورت اتفاقی موجب خسارتی هم شود؟

در پاسخ باید گفت در این خصوص دو دیدگاه مطرح شده است. دیدگاهی که صرف اعتقاد محسن جهت انجام فعل را کافی می داند هر چند این فعل در واقع محسنانه نباشد (اصفهانی، ۱۴۱۸ق، ص ۳۵؛ شهابی، ۱۳۳۲ق، ص ۹۲). دیدگاهی دیگر که معتقد است علاوه بر اعتقاد شخص محسن باید فعل در واقع نیز محسنانه باشد (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۸۸؛ بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۱۰؛ حسینی مراغی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۴۷۸؛ محقق داماد، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۳۰۰).

در مسئله مورد تحقیق اگر دیدگاه اول را بپذیریم در این حالت به دلیل اینکه در بسیاری از موارد مبلغ دینی، از روی خیرخواهی از باب احسان، حکم شرعی را بیان می‌کند، اما اشتباه می‌کند و فرض هم بر این است که مقصر نیست، در این صورت قاعده احسان جاری می‌شود و سبیلی بر محسن نیست. اما اگر دیدگاه دوم را بپذیریم و در احسان علاوه بر قصد احسان، تطابق با واقع را نیز شرط بدانیم، اگر مبلغ قصد خیرخواهی داشت اما در واقع بیان حکم شرعی موجب خسارت به سؤال کننده می‌شود نمی‌توان گفت که او مصداق محسن است، در نتیجه قواعد عام مسئولیت در مورد او نیز اجرا می‌شود و باید او را ضامن دانست.

پژوهش حاضر براساس ادله، دیدگاهی را می‌پذیرد که فعل محسن در واقع نیز باید محسنانه باشد؛ زیرا هر چند احسان از عناوین قصديه است و بدون قصد محقق نمی‌شود؛ ولی عنوان احسان مرکب از دو عنصر قصد احسان و تحقق نیکی است، بنابراین، اگر شخص نیکوکار در تصرف کردن اموال قصد احسان داشته باشد، اما در واقع عمل او به زیان مالک باشد و یا عکس این مورد، در هر دو فرض احسان محقق نمی‌شود (محقق داماد، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۳۰۵). به بیان دیگر اگر شخص قصد احسان داشته باشد و عمل او طبق موازین عقلی و بنابر متعارف، احسان محسوب شود و اقدام کننده نیز در سنجش و بررسی عمل خود تقصیر و تسامحی نکرده باشد و فقط به قصد جلب منفعت به دیگری و یا دفع ضرر از او اقدام کند و بر حسب تضادف، قصد او با واقعیت منطبق نشود و در اثر عمل او به محسن ایه ضرری برسد، اقدام کننده ضامن نیست. برای مثال، اگر ولی یا قیم به قصد جلب منفعت و براساس غبطه موکلی علیه کالاهای او را با کشتی حمل کند تا آن را در محلی دیگر به قیمتی بیشتر بفروشد و بنابر اتفاق، کشتی دچار حادثه شود و در نتیجه به کالاهای موکلی علیه زیانی برسد، ولی یا قیم ضامن نیست؛ زیرا در این مورد احسان محقق است و عمل او از مصادیق قاعده احسان محسوب می‌شود و اموری همچون غرق و حرق و سرقت کشتی از وقایع اتفاقی است (محقق داماد، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۳۰۶). با پذیرش دیدگاه تطابق قصد با واقع در تحقق احسان اینگونه می‌توان گفت که اولاً مبلغ به واسطه نقل اشتباه حکم شرعی، به دیگری ضرر وارد کرده است؛ ثانیاً به دلیل نبود

شرط «محسنانه بودن فعل از نظر عرف»، مصداق قاعده احسان نبوده در نتیجه همچنان تابع قواعد عمومی مسئولیت بوده و ضامن قلمداد می‌شود.

در خصوص محسنانه بودن فعل در واقع نیز باید دید احتمال زیان در صورت عدم دخالت محسن، چقدر است؛ بنابراین اگر احتمال زیان در صورت عدم دخالت محسن بیشتر از خسارتی باشد که محسن با دخالت وی به بار آورد، به این معنا که اگر زیان خسارت فعل محسن بیشتر یا مساوی با عدم فعل وی باشد، عقلای جامعه به چنین فردی محسن نمی‌گویند؛ زیرا در صورت بیشتر بودن زیان فعل، به او قسریء صدق می‌کند نه محسن. در حالتی نیز که زیان فعل محسن با زیان عدم فعل وی، مساوی باشد، فعل محسن سفه‌ی بوده و نمی‌توان رفتار وی را محسنانه نامید؛ زیرا در عالم واقع دفع ضرری صورت نگرفته است. براین اساس تنها در یک حالت می‌توان قاعده احسان را جاری دانست و آن در جایی است که محسن با اعتقاد به احسان کاری را انجام دهد و احتمال رسیدن منفعت به مالک بالا بوده و احتمال زیان ناشی از عمل محسن بر مالک کمتر از زبانی باشد که در حالت عدم دخالت او بر مالک وارد می‌شود. در این حالت باید این فرد را محسن و مصداق آیه «مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ» دانست (بجنوردی، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۴۱).

البته همان گونه که مطرح گردید باید استناد عرفی اضرار احرار شود. براین اساس اگر کسی در مقام نقل فتوا است و سؤال کننده، این شخص را برای بیان حکم شرعی صالح بداند^۱، در این صورت می‌توان خسارت را به ناقل فتوا استناد داد. در نتیجه وی را باید به جبران خسارت محکوم نمود. لکن اگر سؤال کننده این شخص را نمی‌شناسد و صلاحیت او را برای نقل فتوا احرار نکرده و در عین حال به نظر او عمل می‌کند و بعد معلوم شود خطا کرده است، در این صورت خود فرد مقصر است که به قول او عمل کرده است و در واقع زیان دیده کوتاهی کرده است و در نتیجه جبران خسارتی بر عهده

۱. همان گونه که مرحوم شهید ثانی در مورد ضمانت مفتی در جایی که اشتباه حکم به پرداخت كفاره محرم داده است معیار را این قرار داده است که مفتی به زعم سؤال کننده صلاحیت افتاء داشته باشد (شهید ثانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۸۵).



مبلغ دینی نیست. به صورت کلی باید گفت در استناد، عوامل گوناگونی اثر گذار است، بنابراین در نقل فتوا نمی توان مطلقاً نفی ضمان کرد و یا مطلقاً حکم به ضمانت داد بلکه اگر به نحوی باشد که عرفاً مستند به این شخص باشد خسارت را ضامن است و الا ضامن نیست (علیدوست، ۱۴۰۱/۱۲/۲۷).

به عنوان مثال اگر نقل کننده فتوا بدون علم و جستجو از منابع لازم، حکم شرعی را بیان کند و مسیری را برای سوال کننده روشن کند، مسئولیت اشتباه بر عهده خود اوست؛ زیرا مردم با اعتماد کامل به مبلغ دینی و علمای خود، سوالات خود را بیان می دارند و عالم دینی نباید جواب بدون علم به آنان بدهد. به این دلیل است که امام باقر (ع) می فرماید: «هر کس بدون علم و هدایت به مردم فتوا دهد، فرشتگان رحمت و فرشتگان عذاب بر او لعنت فرستند و گناه آن که به فتوای او عمل کند دامنگیرش شود»^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۴۰۹). در این حالت استناد خسارت به ناقل فتوا احراز می شود، در نتیجه باید او را ضامن دانست.

نتیجه گیری

زمانی که مبلغ دینی در بیان احکام شرعی دچار قصور و سهو شده و پاسخ اشتباه به مکلف داده است، به دلیل اینکه ارکان مسئولیت مدنی (ضرر، فعل زیانبار و رابطه سببیت) محقق شده است، براساس نظریه استناد عرفی اضرار، در حالتی که انتساب ضرر به مبلغ دین، احراز شود جبران خسارت بر عهده او قرار می گیرد. ولی در صورت عدم احراز انتساب، ضمانتی متوجه او نمی شود.

هر چند در نگاه اولیه، به نظر می رسد، فعل مبلغ دینی مصداق رفتار محسنانه است؛ ولی براساس ضرورت تطابق احسان با واقع که شرط اعمال قاعده احسان است، در خصوص فعل مبلغ، قاعده احسان مصداق نمی یابد و در نتیجه فعل او (نقل فتوا) همچنان

۱. مُحَمَّدُ بْنُ یَحْیَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ ابْنِ رِثَابٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (ع) «مَنْ أَقْسَى النَّاسِ بَغْيٌ عِلْمٌ وَلَا هُدًى مِنَ اللَّهِ لَعْنَتُهُ مَلَائِكَةُ الرَّحْمَةِ وَمَلَائِكَةُ الْعَذَابِ وَ لِحَقِّهِ وَرُزُّ مَنْ عَمِلَ بِفُتْيَاهُ».

تابع قواعد عمومی مسئولیت بوده و نتیجه مبلغی را که ایجاد ضرر و خسارت مستند به فعل و گفتار اوست (اشتباه بیان کردن حکم) باید ضامن شمرده شود، چرا که به سؤال کننده خسارت وارد نموده است و راهی هم برای جبران آن نیست جز ضامن دانستن خسارت وارد کننده.

زمانی که مبلغ دینی به دلیل بی‌مبالاتی و تقصیر، پاسخی اشتباه به سؤال شرعی مکلف بدهد، به دلیل تحقق ارکان مسئولیت مدنی (ضرر، ارتکاب فعل زیانبار و رابطه سببیت)، براساس تمام نظریه‌های مسئولیت مدنی (استناد عرفی، تقصیر و تسبیب)، مبلغ دینی مسئولیت مدنی داشته و مکلف به جبران خسارت است.

سخن و نتیجه پایانی اینکه، گرچه در این نوشتار از ضمان و مسئولیت مدنی مبلغان دینی که در عرف و اصطلاح به آنان روحانی گفته می‌شود سخن به میان آمده است و شرایط تحقق ضمان آنان بیان گردیده است، اما این مسئولیت و ضمان اختصاص به آنان نداشته و با وحدت ملاک و براساس ادله و قواعد ذکر شده می‌توان گفت هر کسی که مورد اعتماد مردم باشد و از وزانت علمی و معنوی و یا جایگاهی برخوردار باشد که محل رجوع و اعتماد متشرعان برای دریافت احکام شرعی باشد و او با اشتباه خود موجب وارد آمدن ضرر و خسارت مالی به آنان شود نیز، مشمول قاعده ضمان و جبران خسارت می‌شود، هر چند مثلاً در قامت استاد دانشگاه و یا مشاور مذهبی و یا حتی پیش‌نماز محله ظاهر شده باشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

* قرآن کریم

آخوندی، محمود. (۱۳۸۴). آیین دادرسی کیفری. تهران: نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
ابن اثیر، مبارک بن محمد. (بی تا). النهایه فی غریب الحدیث و الاثر. قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.

ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.

ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بیروت: دار صادر.

ارسطو. (۱۳۷۸). اخلاق نیکوماخوس (مترجم: محمد حسن لطفی). تهران: طرح نو.

اصفهانى، محمد حسین. (۱۴۱۸ق). بحوث فی الفقه. قم: نشر جامعه مدرسین

انصاری، شیخ مرتضی بن محمد امین. (۱۴۱۵ق). المكاسب المحرمه و البیع و الخيارات. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.

بادینی، حسن؛ مؤمنی، خسرو. (۱۳۹۲). رویکردی نو در جهت اثبات جریان قاعده لاضرر در احکام عدمی در زمینه مسئولیت مدنی، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۳، شماره ۳، صص ۱۹-۳۱.

بحرانی، وسف بن احمد. (بی تا). الحقائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة. قم: مؤسسة النشر الاسلامي التابعة لجماعة المدرسين.

بجنوردی، سید حسن. (۱۴۱۹ق). القواعد الفقهیه. قم: نشر الهادی.

بجنوردی، سید محمد. (۱۴۰۱). قواعد فقهیه. تهران: مؤسسه عروج.

جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۷۴). ترمینولوژی حقوق. تهران: گنج دانش.

جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۱۰ق). الصحاح. بیروت: دارالعلم.



حر عاملی، محمد بن الحسن. (بی تا). وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

حسینی مراغی، میر عبدالفتاح. (۱۴۱۷ق). العناوین الفقهیه. قم: جامعه المدرسین.

حکمت نیا، محمود. (۱۳۹۱). مسئولیت مدنی در فقه امامیه (مبانی و ساختار). تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

حیدری، قاسم؛ عامری، پرویز؛ آل بویه، علی. (۱۳۹۷). بررسی تطبیقی مبانی مسئولیت مدنی در حقوق ایران و آمریکا، فصلنامه پژوهش های روابط بین الملل، ۸(۲۸)، صص ۲۶۳-۲۹۲.

امام خمینی، روح الله. (۱۴۲۱ق). البیع. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.

امام خمینی، روح الله. (۱۳۹۲). استفتائات امام خمینی. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.

دالوند، فضل الله. (۱۳۸۶). تقسیم مسئولیت مدنی. اصفهان: انتشارات دادیار.

دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۶). لغت نامه دهخدا. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ القرآن. لبنان: دارالعلم - دار الشامیه. رهبر، محمد تقی. (۱۳۹۱). پژوهشی درباره تبلیغ. قم: بوستان کتاب.

سکوتی، رضا؛ شمالی، نگار. (۱۳۹۰). جایگاه عدم النفع در نظام حقوقی ایران. مجله فقه و حقوق اسلامی. شماره اول و دوم. صص ۷۹-۹۸.

شهابی خراسانی، محمود. (۱۳۳۲). قواعد فقه (چاپ سوم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

شهید ثانی. (بی تا). مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام. قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.

صدر، محمد باقر. (۱۴۱۸ق). دروس فی علم الاصول. قم: نشر اسلامی.

صدوق، محمد بن علی. (۱۴۱۳ق). من لایحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

صفایی. سیدحسین. (۱۳۹۲). الزامات خارج از قرارداد (چاپ پنجم). تهران: انتشارات سمت.

طباطبایی یزدی، سیدمحمد کاظم. (۱۴۱۷ق). العروه الوثقی. قم: مؤسسة النشر الإسلامی.



- طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۷ق). تهذیب الاحکام (چاپ چهارم). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- علیدوست، ابوالقاسم. (۱۴۰۱/۱۲/۲۷). درس خارج فقه. قم.
- فاضل لنکرانی، محمد. (۱۳۸۳). القواعد الفقهیه. قم: مرکز فقه الأئمة الأطهار علیهم السلام.
- فیومی، احمد بن محمد. (بی تا). المصباح المنیر. قم: منشورات دار الرضی.
- قاسم زاده، سیدمرتضی. (۱۳۷۸). مبانی مسئولیت مدنی. تهران: نشر دادگستر.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۶). الزامهای خارج از قرارداد - ضمان قهری - مسئولیت مدنی - غضب و استیفاء (چاپ هشتم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کرکی، علی بن حسین محقق ثانی. (۱۴۱۴ق). جامع المقاصد فی شرح القواعد. قم: موسسه آل البيت علیهم السلام.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی (چاپ چهارم). تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- لطفی، اسدالله. (۱۳۷۹)، رابطه ادله احکام ثانویه با ادله احکام اولیه، نشریه دانشکده الهیات مشهد، شماره ۴۹-۵۰، صص ۵۱۱-۵۳۰.
- محقق داماد، سیدمصطفی. (۱۳۸۸). قواعد فقه (بخش مدنی، چاپ نوزدهم). تهران: مرکز نشر اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۱۱ق). القواعد الفقهیه. قم: مدرسه امام امیرالمؤمنین علیه السلام.
- مکارم شیرازی، ناصر. (بی تا) رساله عملیه. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حضرت آیت الله مکارم شیرازی. آدرس صفحه: <https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=30&catid=34493>
- نجفی جواهری، شیخ محمد حسن. (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود. (۱۴۲۶ق). فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام. قم: موسسه دایره المعارف.
- هوشمند فیروزآبادی، حسین. (۱۳۹۸). ارزیابی مبانی فقهی مسئولیت مدنی. مجله آموزه های فقه مدنی. شماره ۱۹، صص ۲۹۷-۳۲۸.
- یزدانیان، علیرضا. (۱۳۸۹). حقوق مدنی قلمرو مسئولیت مدنی. تهران: نشر آیلا.

References

* The Holy Quran

- Akhundi, M. (2005). Criminal Procedure Code. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance Publications. [In Persian]
- Alidoust, A. (2023). Dars-e Kharij Fiqh. Qom. [In Persian]
- Ansari, M. b. M. A. (1995). Al-Makasib al-Muharramah, al-Bay' wa al-Khiyarat. Qom: World Congress on Sheikh Ansari. [In Arabic]
- Aristotle. (1999). Nicomachean Ethics (M. H. Lotfi, Trans.). Tehran: Tarh-e No. [In Persian]
- Badini, H., & Momeni, K. (2013). A new approach to establishing the application of the "No Harm" rule in negative rulings concerning civil liability. Private Law Studies Quarterly, 43(3), pp. 19–31. [In Persian]
- Bahrani, Y. b. A. (n.d.). Al-Hada'iq al-Nadira fi Ahkam al-'Itrah al-Tahirah. Qom: Islamic Publishing Institute affiliated with Society of Teachers. [In Arabic]
- Bojnourdi, S. H. (1998). Al-Qawa'id al-Fiqhiyyah. Qom: Al-Hadi Publishing. [In Arabic]
- Bojnourdi, S. M. (1981). Qawa'id Fiqhiyyah. Tehran: 'Uruj Institute. [In Persian]
- Dalvand, F. (2007). Division of Civil Liability. Esfahan: Dadyar Publications. [In Persian]
- Dehkhoda, A. A. (1997). Dehkhoda Dictionary. Tehran: University of Tehran Publications. [In Persian]
- Esfahani, M. H. (1997). Buhuth fi al-Fiqh. Qom: Jami'at al-Mudarrisin Publishing. [In Arabic]
- Fayyumi, A. b. M. (n.d.). Al-Misbah al-Munir. Qom: Dar al-Rida Publications. [In Arabic]
- Fazel Lankarani, M. (2004). Al-Qawa'id al-Fiqhiyyah. Qom: Fiqh al-A'immah Center. [In Arabic]
- Hashemi Shahroudi, S. M. (2005). Fiqh Dictionary According to the School of Ahl al-Bayt. Qom: Encyclopedia Institute. [In Arabic]

- Hekmatnia, M. (2012). *Civil Liability in Imamiyyah Jurisprudence: Foundations and Structure*. Tehran: Islamic Sciences and Culture Academy. [In Persian]
- Heydari, Q., Ameri, P., & Alebuyeh, A. (2018). Comparative analysis of the foundations of civil liability in Iranian and American law. *International Relations Research Quarterly*, 8(28), pp. 263–292. [In Persian]
- Hosseini Maraghi, M. A. (1996). *Al-'Anawin al-Fiqhiyyah*. Qom: Jami'at al-Mudarrisin. [In Arabic]
- Houshmand Firouzabadi, H. (2019). An Evaluation of the jurisprudential foundations of civil liability. *Civil Fiqh Teachings Journal*, 19, pp. 297–328. [In Persian]
- Hurr Amili, M. b. H. (n.d.). *Wasail al-Shi'a ila Tahsil Masa'il al-Shari'a*. Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi. [In Arabic]
- Ibn Athir, M. b. M. (n.d.). *Al-Nihayah fi Gharib al-Hadith wa al-Athar*. Qom: Isma'iliyan Publishing Institute. [In Arabic]
- Ibn Faris, A. (1984). *Mu'jam Maqayis al-Lughah*. Qom: Islamic Propagation Office Publications. [In Arabic]
- Ibn Manzur, M. b. M. (1993). *Lisan al-'Arab*. Beirut: Dar Sadir. [In Arabic]
- Imam Khomeini, R. (2000). *Al-Bay'*. Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Arabic]
- Imam Khomeini, R. (2013). *Istifta'at-e Imam Khomeini*. Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Persian]
- Jafari Langarudi, M. J. (1995). *Legal Terminology*. Tehran: Ganj-e Danesh. [In Persian]
- Jawhari, I. b. H. (1990). *Al-Sihah*. Beirut: Dar al-'Ilm. [In Arabic]
- Karaki, A. (Muhaddiq Thani). (1994). *Jami' al-Maqasid fi Sharh al-Qawa'id*. Qom: Al al-Bayt Institute. [In Arabic]
- Katouzian, N. (2007). *Extra-Contractual Obligations: Liability, Civil Responsibility, Usurpation, and Restitution* (8th ed.). Tehran: University of Tehran Publications. [In Persian]

- Kulayni, M. b. Y. (1987). Al-Kafi (4th ed.). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [In Arabic]
- Lotfi, A. (2000). The relation of secondary rulings to primary rulings. Journal of Mashhad Faculty of Theology, 49–50, pp. 511–530. [In Persian]
- Makarem Shirazi, N. (1990). Al-Qawa'id al-Fiqhiyyah. Qom: Imam Amir al-Mu'minin School. [In Arabic]
- Makarem Shirazi, N. (n.d.). Risalah 'Amaliyyah. Retrieved from <https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=30&catid=34493> [In Persian]
- Muhaqqiq Damad, S. M. (2009). Fiqh Principles (Civil Section, 19th ed.). Tehran: Islamic Publishing Center. [In Persian]
- Najafi Jawahiri, M. H. (1983). Jawahir al-Kalam fi Sharh Sharayi' al-Islam. Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi. [In Arabic]
- Qasemzadeh, S. M. (1999). Foundations of Civil Liability. Tehran: Dadgostar Publications. [In Persian]
- Raghib Isfahani, H. b. M. (1991). Mufradat Alfaz al-Qur'an. Lebanon: Dar al-'Ilm – Dar al-Shamiyyah. [In Arabic]
- Rahbar, M. T. (2012). A Study on Propagation. Qom: Bustan-e Ketab. [In Persian]
- Sadr, M. B. (1997). Durus fi 'Ilm al-Usul. Qom: Al-Islami Publications. [In Arabic]
- Saduq, M. b. A. (1992). Man La Yahduruhu al-Faqih. Qom: Islamic Publishing Office affiliated with the Society of Teachers. [In Arabic]
- Safaei, S. H. (2013). Extra-Contractual Obligations (5th ed.). Tehran: SAMT Publications. [In Persian]
- Shahabi Khorasani, M. (1953). Fiqh Principles (3rd ed.). Tehran: University of Tehran Press. [In Persian]
- Shahid Thani, Z. b. Ali. (n.d.). Masalik al-Afham ila Tanqih Sharayi' al-Islam. Qom: Ma'arif al-Islamiyyah Institute. [In Arabic]
- Sokuti, R., & Shomali, N. (2011). The status of loss of profit in Iranian legal system. Islamic Jurisprudence and Law Journal, (1–2), pp. 79–98. [In Persian]

- Tabataba'i Yazdi, S. M. K. (1996). Al-'Urwat al-Wuthqa. Qom: Islamic Publishing Institute. [In Arabic]
- Tusi, M. b. H. (1987). Tahdhib al-Ahkam (4th ed.). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [In Arabic]
- Yazdanian, A. (2010). Civil Law: The Scope of Civil Responsibility. Tehran: Ailar Publications. [In Persian]

